

بررسی مطبوعات

چرا این فصل را باز میکنیم ؟

عده ای از خوانندگان گرامی از ما خواسته اند که فصلی در باره «بررسی مطبوعات» باز کنیم و بجای اینکه در باره وضع مطبوعات کلی-گویی کنیم انگشت روی نقاط ضعف آنها، مخصوصاً اشتباهاتی که هنگام بحث در پیرامون مسائل دینی و اخلاقی مرتکب میشوند، بگذاریم و تا آنجا که صفحات این بخش اجازه میدهد وظیفه بررسی و کنترل را در مورد مطالب خلاف آنها انجام دهیم. بدیهی است این بخش میتواند افراد زیادی را که ممکن است بر اثر پاره‌ای از مندوجات مطبوعات کنونی گمراه شوند نجات دهد و ضمناً اولیاء مطبوعات را، در صورتیکه حسن نیتی داشته باشند متوجه وظیفه حساس و پر مسئولیت خود سازد.

و از آنجا که ما نظر شخصی و خصوصی با هیچ نشریه‌ای نداریم اذکر نام جرائد و مجلات و مطبوعاتی که آنها را مورد بررسی قرار میدهیم (جز در موارد استثنائی) خودداری میکنیم.

در ضمن اگر در پاره‌ای از مطبوعات بنکات جالب و آموزنده‌ای بر خورد کنیم که اثر تربیتی داشته باشد آنها را هم با تفسیری از خود منعکس می‌سازیم.

هر گف اعجوبه هندی !

یکی از مجلات هفتگی می‌نویسد: «شایع است سید محمد نواب دو چرخه سوار هندی که در تهران و شهرستانهای ایران نمایشهایی در روی دو چرخه انجام داده و رکوردی برابر ۱۴۵ ساعت دو چرخه سواری مهتد در دست داشته است در کشور « انگلستان » هنگام نمایش دو چرخه سواری در روز پنجم روی دو چرخه جان داده است.

مجله مزبور اضافه میکند: «هنگام اجرای برنامه او در تهران فدراسیون پزشکی ایران بر این عمل اعتراض کرده بود و اعلام داشته بود که: تمهیدی در برابر سلامتی او نخواهد داشت . . . پزشک سازمان تندرستی هنگام مه‌اینه وی در روز پنجم دو چرخه سواری اظهار

داشت این عمل «نواب» هر بار چندین سال عمر او را کوتاه میکنند و اگر سالی يك يا دو بار این عمل را انجام دهد بیش از ۳۵ سال عمر نخواهد کرد! نواب بعلت استقبال شدید مردم و درآمد غیر قابل تصور از برنامه‌های دوچرخه سواری در مدت کمتر از یکسال ۵ بار عملیاتش را تکرار کرد و جان خود را درستین جوانی از دست داد، و نه از پولهای خود استفاده کرد و نه از شهرتی که کسب کرده بود.

مکتب اسلام

این خبرچه شایعه باشد چه واقفیت داشته باشد در هر صورت قابل توجه است، زیرا طبق گزارش پزشک سازمان تندرستی اگر چنین حادثه‌ای اتفاق نیافتاده باشد بالاخره روی خواهد داد و این جوان مسلمان هندی در آتش هوی و هوس مشتی سود پرست خواهد سوخت!

مادر همان هنگام که بعضی از مطبوعات کشور مادر اطراف این موضوع هیاهوتی پیا کرده بودند دسته‌هایی برای بردن جیب خود از کار این جوان هندی بهره برداری میکردند در همین مجله اعلام خطر نمودیم و گفتیم این عمل يك عمل احمقانه و غیر انسانی است جوانان را باینگونه کارهای خلاف تشویق نکنید، این افتخار نیست بلکه بدبختی و بیچارگی است.

حالا آنهایی که میگفتند ما عمل این جوان را بعنوان درس استقامت و قدرت اراده برای جوانان مملکت خود منعکس میکنیم تا آنها نیز از «عجوبه هندی» سرمشق بگیرند بیایند جواب دهند، و بگویند مسئول جان این جوان کم تجربه کیست؟ آیا سزاوار است برای ثروت اندوزی همه چیز را باز بچه خود قرار دهند؟... جوانان بشنوید و بیدار باشید و بعد از این فریب افراد سود پرست را نخورید!

عذر بدتر از گناه!

مجله خواندنیها در شماره «۱۷۹۴» در باره مکتب اسلام مطالبی نوشته که لازم است بایبانی که در خود مجله ما و تربیت مذهبی ماست درباره آن توضیحاتی بدهیم: علت اعتراض مجله مزبور بمالین بوده که یکی از خوانندگان مادر بخش «فساد مطبوعات» درباره مجله مزبور چیزی نوشته و گفته است چرا بعضی مطبوعات فعلی مسانند خواندنیها همه چیز را باهوی و هوس آلوده میکنند و حتی نسبتهای ناروایی به پیغمبران بزرگ خدا میدهند؟

از جمله در داستانی که در مجله نامبرده (بعنوان ترجمه از يك نوشته خارجی) ذکر شده نسبت آشامیدن «آبجو» بحضرت یوسف «علیه السلام» داده شده است !

آقای مدیر خواندنیها با اینکه باعتراف خودش این شماره مجله ما را ندیده بوده است باتکاء نامه یکی از خوانندگانش حملات بی موردی نسبت بسردبیر مکتب اسلام نموده است با اینکه گفتار مزبور اظهار نظر یکی از خوانندگان ما در «ستون آزاد مجله» بوده است ، خوب بود ایشان کمی حوصله میکردند مجله ما بدست ایشان برسد اگر اعتراض «مستدلی» یا دفاعی داشتند برای مامینوشتند وماهم در همان «ستون آزاد» آنرا منعکس میکردیم وقضاوت میان آن دو را بخوانندگان واگذار میکردیم ، ولی ایشان نه تنها این کار را نکرده اند بلکه مطالبی گفته اند که مصداق روشن «عذر بدتر از گناه» محسوب میشود .

مثلا گفته اند که : «وظیفه يك مترجم در درجه اول رعایت امانت در نقل عین مطلب اصلی است بپر کیفیتی که باشد» ! ...

عذر بدتر از گناه همین است ، درست است مترجم باید امانت باشد ولی این دلیل نمیشود که يك مطلب گمراه کننده را بدون توضیح (ولو در باصفا و باقید اینکه توضیح مزبور از مترجم است) بگذارد و بگذرد ؛ مترجم همانطور که در باره متن مطلب باید رعایت امانت کند در مورد اجتماع وافکار عمومی هم باید امانت را رعایت نماید . اما در پاسخ اصل ایراد «خواننده مکتب اسلام» که چرا نسبت آشامیدن آبجو به پیغمبر خدا داده آید ؟ چنین مینویسد :

« این آقای سردبیر مجله ؛ بقول خودشان دینی و علمی آنقدر توجه ندارند که اسلام قرنها بعد از یوسف ظهور کرد ؛ و این اسلام بود که برای نخستین بار ؛ بزبانهای روحی و جسمی و طبی «آشامیدنیهای الکلی» بی برد و آنها را تحریم کرد ، مصریها یا قوم بنی اسرائیل که هم اکنون هم مانند آن ایام شرب آبجو در میانشان بلامانع میباشد ؛ .

آقای مدیر ؛ ما خوب میدانیم اسلام در چه تاریخی بوجود آمده و از تمام جزئیات آن کاملا باخبریم ، ولی شما هنوز این نکته را نمیدانید که موضوع تحریم «مشروبات الکلی» در تمام ادیان (بدون استثناء) بوده است ، پیشوای بزرگ ما امام صادق (ع) میفرماید : «هیچ پیغمبری مبعوث نشد مگر اینکه تحریم مشروبات الکلی جزء آئین او بود» یکی دیگر از پیشوایان بزرگ مذهب امام رضا «علیه السلام» نیز همین حقیقت را بیان فرموده است (۱)

گذشته از این ، دلائل عقلی نیز این موضوع را تأیید میکند ، زیرا زیانهای اجتماعی فردی و روحی و جسمی مشروبات الکلی چیزی نیست که مخصوص بزمان و دوران معینی باشد ، بلکه مانند مفاسد دروغ و دزدی و آدمکشی و کم فروشی و تجاوز و . . . از جمله اموری است که در تمام مذاهب و ادیان آسمانی قدغن بوده است .

جالب توجه اینکه این آقا مینویسد : « برای نخستین بار اسلام بزبانهای مشروبات الکلی پی برد » ؛ با توجه باینکه تمام دستورهای مذاهب آسمانی از طرف خداست معنی این جمله چنین میشود : « برای نخستین بار خداوند هنگام ظهور پیغمبر اسلام بزبانهای مشروبات الکلی پی برد ، ؛ این آقا گمان میکند مفاسد مشروبات الکلی مانند کشف پنی سیلین یا سایر کشفیات علوم طبیعی است که فلانکس برای نخستین بار آنرا کشف کند . نه آقا ؛ همه این دستورها از طرف خدا است و خداوند از ازل بزبانهای مشروبات الکلی آگاه بوده و در تمام ادیان هم آنرا تحریم نموده است و اگر ملاحظه میکنید در میان بسیاری از یهودیان و مسیحیان فعلی نوشیدن آنها بلامانع است دلیل این نیست که در مذهب آنها حرام نبوده و اگر سخن بسدر از انبیا کشید آیاتی از کتب مذهبی آنها در تحریم این مایعات زهر آگین برای اطلاع شما نقل میکردیم تا بدون توجه تضاد نکنید .

این مطلب درست مثل اینست که آشامیدن آبجو در مذهب ما بطور مسلم حرام است اما عده ای از هم کیشان ما آلوده آن هستند و عده ای هم در «مجله گرامی خود» ؛ برای مختصر اجرتی آگهیهای بلند بالای آنرا منتشر میسازند ؛

ولی «عیب آن جمله بگفتی هنرش نیز بگو» اینقدر از شما ممنونیم که مانند عده ای از افراد بی اطلاع ؛ بودن آبجورا از مشروبات الکلی انکار نکرده اید بلکه بآن اعتراف نموده اید . باز جای شکرش باقی است .

آقای مدیر ؛ حالا که سخن از « علربدتر از گناه» میان آمد اینرا هم بشنوید که در همین شماره از مجله شما در همان داستان «یوسف» يك دروغ بسیار زننده به پیغمبر بزرگوار « یعقوب» نسبت داده شده است و آن اینکه هنگامیکه فرعون سن « یعقوب» را پرسید ، یعقوب بسا اینکه در آن حال بیش از «۸۹» نداشت گفت : یکصد و سی سال از عمرم میگذرد . ۱۱ .

سپس نویسنده اصلی داستان برای دفاع از یعقوب در مورد این «دروغ شاخدار» دو موضوع را پیش کشیده که نمونه کامل همان علربدتر از گناه است : نخست اینکه :

«یعقوب خواسته سن خود را بیشتر نشان دهد تا اشتیاق خود را نسبت به خداوند آشکار سازد» ؛ دیگر اینکه ؛ «یکی از رسوم آن عصر این بود که مردم سن خود را بالا میبردند . . . زیرا تصور میکردند هر گاه سن خویش را بگویند یا کم کنند از عمر آنها کاسته میشود» ؛

خوب ملاحظه میکنید نویسنده اصلی داستان برای اینکه دزد مزبور را مست مالی کند نسبت موهوم پرستی و خرافاتی بودن را باین پیغمبر بزرگ داده است که او هم مانند مردم خرافی زمان خود گمان میکرد اگر راستش را بگوید از عمرش کم میشود ؛

آقای مدیر محترم ؛ تصور نکنید اگر اروپائیا خوب موشک و قمر مصنوعی می سازند در همه چیز از ما جلو هستند حتی اطلاعاتشان در باره مذاهب و شرح حال پیغمبران بزرگ از ما بیشتر است ، این يك اشتباه بزرگ است . داستانهایی که آنها درباره انبیاء خدا مینویسند مملو از خرافات و موهومات است ؛ شما راضی نشوید بنام امانت در ترجمه ، این داستانهای گمراه کننده را بهمان صورت چاپ کنند و احترام و حیثیت پیغمبران خدا را بر باد دهند ؛

صلاح شما اینست در اینگونه مطالب دخالت نکنید و همان مطالب همیشه خود را دنبال کنید .

اما اینکه نوشته بودید ؛ «ما میدانیم نشریه مکتب اسلام تا چه اندازه قانونی است ؛ در کدام چاپخانه چاپ میشود و از طرف چه کسانی بچه منظورهائی منتشر میشود» ؛ برای مزید اطلاع سر کار عالی عرض میشود که این مجله دارای امتیاز رسمی است و تحت نظر عده ای از دانشمندان اداره میشود و تیراژ آنها خیلی زیاد است خیلی بیشتر از آنچه تصور کنید و اگر بشنوید مسلماً با آسانی باور نخواهید کرد . در چاپخانه حکمت قم هم چاپ میشود و اسم چاپخانه همیشه در صفحه آخر نوشته میشود ؛

اما منظور نویسندگان آن اینست که در مقابل مجلانی (البته نه مجله شما) که کارشان نشر عکسهای شهوت انگیز زنان آلوده و تجزیه و تحلیل در پیرامون برجستگیهای بدن آنها و نشر داستانهای موهوم عشقی و گمراه کننده است و نسل جوان ما را با وضع رقت انگیزی بگرداب فساد اخلاق کشانده اند و در افزایش آمار جنایات سهم مؤثری دارند، آری در برابر چنین مجلانی ، يك سلسله مطالب آموزنده که سطح افکار اجتماع را بالا میبرد و روح ایمان را در دل پیرو جوان زنده میکند و بدر فضائل اخلاقی را در دل آنها

میافشاند ، نشر دهند ، و اجتماع را برادر است ؛ راهی که آئین مقدس اسلام بآن دعوت کرده رهبری کنند . این است منظور نویسنده گان این نشریه .
 ضمناً توجه داشته باشید مابعلتی که در آغاز مطلب گفته شد نخواستیم با همان لحن شما پاسخ بگوییم و الا طور دیگری سخن می گفتیم ، باتمام این گفتگوها مامجله شما را بابسیاری از مجلات دیگری فرق میگذاریم .

دامن زدن با تئش فساد

یکسال پیش دختر رقصه‌ای در تهران کشته شد و الان دارند متهم بقتل او را محاکمه میکنند . . ولی در عرض این یک سال این مسئله مبتدل و شرم آور سوژه‌ای برای همه مطبوعات حرفه‌ای شده است ، هر روز يك عکس نو ؛ از آن دختر بدبخت و منحرف چاپ میکنند و دوباره آن بحث میکنند .

حتی در مجله‌ای که روزگاری مدیر آن منتقد بود نباید عکس زن را در مجله‌ها چاپ کرد ؛ داستانی تحت عنوان « قاتل . . . کیست ؟ » چاپ میشود که افسانه‌هایی درباره آن دختر کاباره‌ای میسازد . .

از این گذشته اخیراً دختر منحرف دیگری دستگیر شده ، و سوژه‌ای بدست آقایان افتاده است و هر روز چند عکس مختلف از این دختر بیچاره چاپ میکنند و . .

ما از این مدیران محترم و شریف می پرسیم : بال و بردادن باین قبیل مطالب افتضاح - آمیز ؛ عکس و تفصیلات ؛ تکرار گفتارهای زننده و مشتمل کننده ، بچه منظوری است ، آیا اینست وظیفه روزنامه نگاری ؟ اینست معنی عفت و رعایت اخلاق عمومی ؟ . .
 از این مسخره تر آنکه دختر منحرف فعلی چون در شناسنامه ۱۲ سال دارد حق ازدواج ندارد ، ولی قانون با او اجازه میدهد که در راه انحراف قانونی بماند ؛ ... اینست معنی قانون ما ؛ .

آزادی بانوان

یکی از مجلاتی که بنام بانوان منتشر میشود مینویسد : « . . متأسفانه باید اعتراف کرد ما از آزادی که بدست آورده ایم و از آزادی زنان کشورهای مترقی جهان مفهوم صحیحی را درک ننموده ایم .
 اکثر ما بجای پرداختن بکارهای اصولی در خرده کاریها و ظاهر سازیها غرق شده ایم

و میتوان گفت که آزادی را بایی بند و باری اشتباه نموده ایم .
 سرمشق گرفتن از آزادی ؛ زنان جهان را با « تقلید کور کورانه » از بی بند و باریهای
 غربیها عوضی گرفته ایم . . . و به تقلید از ستارگان فیلمها توهمات خود را بالا برده ایم . . .»

مکتب اسلام

این چنین است نمونه ای از آثار آزادی بانوان ما ؛ آیا صحیح است که عده ای از زنان
 باین آزادی افتخار کنند ؟ آیا درست است که مطبوعات کشور اسلامی ما ، در اینباره باغراق
 و مبالغه پردازند و اذهان عمومی را مشوب سازند ؟ . . .

محصلین ایرانی در آمریکا !

یکی از روزنامه های معروف مینوسد : > . . در نیویورک که مدت اقامت طولانی تر
 بود عده ای از جوانان ایرانی را ملاقات کردم که جزو محصلین ایرانی در آمریکا میباشند
 شب بعد افسر امریکائی مرا یکی از کاپاره های نیویورک برد با کمال تعجب دوسه نفر از این
 آقایان محصل را در آنجا دیدم که شمع جمع مجلس رقص بوده و مجال بخود امریکائیها
 نمیدادند ، همان آقایان را روز بعد در دستورانی زیارت کردم که خدمت میکردند . . . معلوم
 شد که عوض تحصیل روزها کار است و شبها وانچرجی ؛ حال یکی از این جوانان که در حدود
 ۱۸ سال داشت تأثر آور بود و بطوریکه میگفت با گواهی نامه سوم متوسط عازم لندن
 شده و پس از یکسال تلاش نتوانسته در دوره دوم متوسطه ثبت نام نماید لذا راه امریکا را
 پیش گرفته . . . <

مکتب اسلام : نمیدانیم گناه این اعمال بگردن کیست ؟ پدر و مادر این جوانان
 مقصرند یا اداره اعزام محصل بخارج ؟ ولی در هر صورت نتیجه یکی است و آن : بدبختی
 و سقوط اخلاقی جوانان ما که بقول همان روزنامه وقتی هم بایران بر میگردند « دیپلم ظرف -
 شوئی یاد بیلم بیشتر می آید » میآورند ؛ . . چقدر خوبست که وزارت فرهنگ
 دقت بیشتری در این مسائل بنماید .

بدون شرح

از خارجها هم جلو افتاده اند !

یکی از مجلات هفتگی مینویسد : > . . . یکی از خارجها هم چند سال است در تهران
 زندگی می کند می گوید : من هالیوود را دیده ام آرایش های درجه اول و دوم و سوم آنجا را هم

تماشا کرده‌ام ، لوازم آرایش مغازه‌ها و سالن‌ها و استودیوهای هالیوود را هم دیده‌ام . اما تهران ! بخصوص قسمتی از آن چیز دیگری است !

در تهران من زن‌هایی می‌بینم که در هیچ گوشه دنیا ندیده‌ام . بنظر من ! بیکاری و تن آسائی شرقی ، مجال این آرایش‌های عجیب و غریب را بر زنان شما داده است . بعد اضافه می‌کند « در ۱۰ سال گذشته بیش از هزار و چند طلاق بخاطر دعوی زن و شوهر بر سر مخارج آرایش در تهران صورت گرفته است . تعداد این دعواها از آنچه درستون جراید خبری منعکس شده است جمع آوری گردیده است ... »

برای این خانواده دعا کنید !

یکی از مجلات معروف هفتگی می‌نویسد : « طبق گزارش کمیسیون مخصوص هنرهای ملی سنای امریکا ، هیئتی از کارشناسان سینمایی وابسته به مجلس سنای امریکا مشغول مطالعه هستند تا فیلم‌های یکی از هنرپیشه‌های معروف را که زیاد زننده است در امریکا ممنوع کنند از هم اکنون شماره‌های ضد این گونه فیلم‌ها از بعضی تلویزیون‌های امریکا پخش می‌شود معروفترین شماره‌های هفته گذشته این بود : « برای خانواده‌هایی که از تماشای فیلم‌های ایمان بر بادده خودداری می‌کنند دعا کنید ! ... »

مکتب اسلام : ملاحظه فرمایید چه در شور است که آنها هم فهمیده‌اند ، چه خوب است مقلدین از اعمال و افعال غرب از این روش نیز تقلید کنند و قبل از اینکه فاقد تمام معنویات شوند مخلصانه از نمایش تمام فیلم‌های خلاف اخلاق بدون استثناء جلوگیری کرده ، با این طریق جلوسیل مفساد و جنایات را سد کنند ؛ و بیش از این مایه سقوط خانواده و دختران و پسران خود را فراهم نکنند .

پرتال جامع علوم انسانی

با مردم مدارا کنید!

پیغمبر اکرم (ص) میفرماید : « مامن عمل احب الی الله تعالی والی رسوله من الایمان بالله والرفق بعباده .
یعنی : هیچ عملی در پیشگاه خدا و پیغمبر (ص) محبوبتر از این نیست که انسان ایمان بخدا داشته باشد و بایندگان خدا با ملایمت رفتار کند .
(سفینة البحار ج ۱)